



## صراط مستقیم، کمینگاه شیطان رحیم / خیر و رحمت بودن وجود شیطان در کل عالم

آیت الله جوادی آملی با اشاره به آیات قرآن، صراط مستقیم را کمینگاه شیطان توصیف کرد و گفت: شیطان می گوید من سر راه اینها می نشینم و راهزنی می کنم...

آیت الله جوادی آملی با اشاره به آیات قرآن، صراط مستقیم را کمینگاه شیطان توصیف کرد و گفت: شیطان می گوید من سر راه اینها می نشینم و راهزنی می کنم، سر راه مستقیم می نشینم، آنها می گویند "اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ" و تو هم هدایت می کنی؛ ولی من راهزنی، در کمینم که نروند.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله جوادی آملی در تفسیر آیات 168 و 169 سوره بقره یا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ \* إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ که به مسئله حلال خواری تصریح دارد، محرمات را محدوده گامهای شیطان توصیف کرد و گفت: در این کریمه ای که فرمود از حلال و طیب الهی استفاده کنید و از گامهای شیطان تبعیت نکنید، به قرینه تقابل معلوم می شود شیطان گامی جز در حرام و خبیث نمی گذارد و جایی که طیب و حلال است جای فرشتگان است نه جای شیاطین.

### دشمنی آشکار شیطان نسبت به انسان

وی با اشاره به دیگر آیات قرآن بر دشمنی آشکار نسبت به انسان تأکید کرد و افزود: عداوت ابلیس نسبت به آدم و حوا (سلام الله علیهما) عداوت مبین نبود برای اینکه او سوگند یاد کرد که با اینها ناصحانه رفتار کند: وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ ؛ ولی درباره انسانها عداوت مبین است برای اینکه هم بالصراحه سوگند یاد کرد گفت: فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ و هم راههای عداوت را شمرد، پس عداوت شیطان نسبت به انسان عداوت روشنی است. و اگر احياناً در بعضی از نقلها (بر فرض صحت آن نقل) شیطان در لباس خیرخواهی با کسی سخن گفت ، آن خیرخواهی اش زمینه و وسیله اغوا بود، چون شیطان کاری جز عداوت ندارد.

### کیفیت اعمال عداوت توسط شیطان/ ایجاد تمنیات و آرزوهای باطل، یکی از راههای شیطان

این استاد عالی حوزه با بیان اینکه خدای سبحان عداوتهای شیطان را در آیات گوناگون بیان کرده است، در تبیین نحوه اجرای این دشمنی یادآور شد: ... شیطان عَدُوٌّ مبین است و راههای فراوانی برای اعمال عداوت او هست در سوره مبارکه «نساء» این چنین آمده است که وَلَاضِلٌ لَهُمْ وَلَأُمِّيَّتُهُمْ وَلَأُمْرَتُهُمْ فَلْيُبَيِّنَنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَأُمْرَتُهُمْ فَلْيُعَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ خَدَايَ سُبْحَانَ تَهْدِيدَاتِ شیطان نسبت به انسانها را این چنین ذکر کرد؛ فرمود شیطان می گوید من حتماً اینها را گمراه می کنم (با نون تأکید ثقیله) یعنی اصرار می ورزم که آنها را به ضلالت بکشانم و راه اضلال را هم از راه امنیه می دانم یعنی با ایجاد تمنیات باطل آنها را گمراه می کنم (اول آرزوست بعد آن آرزو را از راه حرام جامه عمل دربر کردن است): وَلَأُمِّيَّتُهُمْ، وقتی مسئله امنیه، تمّی و آرزو به نصاب رسید آن گاه مرحله امر می شود - در همین آیه 119 سوره «نساء» تعبیر به امر دو بار تکرار شد: وَلَأُمْرَتُهُمْ - اول در حدّ امنیه است بعد در حدّ امر.

وی افزود: این چنین نیست که مستقیماً اول امر کند، خب اگر کسی اول امر کند هیچ مسلمانی گوش به حرف او نمی دهد. اول آرزو در او ایجاد می کند؛ آرزوی داشتن فلان مقام، فلان مال، فلان ملک و مانند آن را ایجاد می کند، چون این آرزو رشد پیدا کرد و انسان به این متعلق آرزو دل بست، برای رسیدن به این متعلق امنیه از هر راهی استفاده می کند؛ به عبارت دیگر وقتی آرزو در دل جا گرفت، شیطان انسان را وادار می کند که از راه حرام به متعلق آرزو برسد. پس اول امر نیست اول امنیه است: وَلَأُمِّيَّتُهُمْ وَلَأُمْرَتُهُمْ. چه اینکه در جمله بعد هم این چنین آمده است: وَلَأُمْرَتُهُمْ فَلْيُعَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ؛ درباره کفار قریش است که اینها آفرینش الهی را تغییر می دهند. اول در حدّ وسوسه و ایجاد امنیه است، بعد وقتی این تمّی در انسان زنده شد و انسان به یک امری علاقه پیدا کرد، خواه و ناخواه می کوشد که آن را فراهم بکند، چون از راه حلال میسر نیست از راه حرام دست برنمی دارد.

### امر شیطان بعد از ایجاد تمنیات باطل

آیت الله جوادی آملی با بیان اینکه شیطان به مولا علیه خود امر می کند؛ نه نسبت به دیگران، افزود: نسبت به دیگران که تحت ولایت او نیستند وسوسه می کند، آنها هم اعتنا نمی کنند می بینند این خطر متوجه آنها شد فوراً می روند پناهگاه. خدای سبحان هم هشدار داد فرمود: وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ ؛ اگر يك خاطره ای در ذهن شما رسوخ کرد که می دانید این خاطره خلاف است فوراً بروید پناهگاه؛ مثلاً نامحرمی از کنار شما می گذرد وسوسه پیدا شد که نگاه کنید، خب این را می دانید که این نزغ شیطان است، این نزغ شیطان آژیر خطر است، فوراً بروید پناهگاه، پناهگاهتان هم که خدای سبحان است؛ بگویید خدایا من به تو پناه بردم؛ البته با قلب بگویید نه اینکه بگویید «أعوذ بالله من الشيطان الرجيم».

### حقیقت استعاذه

وی در تشریح حقیقت استعاذه یادآور شد: «أعوذ بالله من الشيطان الرجيم»؛ یعنی پناه ببر؛ یعنی از جانت پناه ببر (برو در پناهگاه) وقتی رفتی در حصن الهی، در حصن الهی که همان توحید است شیطان راه ندارد. «کلمه لا اله الا الله حصنی»، «ولاية علي ابن ابي طالب (ع) حصنی»، انسان وقتی وارد حصن شد، وارد جان پناه و پناهگاه شد از خطر محفوظ می شود. پس اینکه خدای سبحان فرمود: «وَمَا يَنْزَعُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ»؛ اگر دیدی يك سيخ و آسيبي به تو رسيد فوراً برو پناهگاه؛ نه يعني بگو «أعوذ بالله من الشيطان الرجيم»! این «أعوذ بالله» گفتن چیز خوبی است اما نازل ترین مرحله استعاذه است؛ مثل اینکه گفتند اگر خواستی قرآن بخوانی استعاذه کن: «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ»؛ نه يعني بگو «أعوذ بالله من الشيطان الرجيم»! این نازل ترین و پایین ترین درجه استعاذه است، گفتنش هم خوب است ثواب هم دارد؛ اما این استعاذه حقیقی نیست. لذا انسان قرآن را می خواند يك جزء قرآن را خوانده است مثل نماز، نمی داند چه گفته اصلاً! چون در حین قرائت قرآن مثل حین قرائت نماز استعاذه نکرد (در پناهگاه نرفت).

### ولایت و سلطنت شیطان بر انسان، پیامد ترك استعاذه

صاحب تفسیر تسنیم سلطنت شیطان بر انسان را پیامد ترك استعاذه خواند و تأکید کرد: اینکه خدای سبحان فرمود: وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا یعنی شیطان وسوسه کرد او نرفت در پناهگاه، دو بار سه بار ما گفتیم برو پناهگاه، نرفت، خب او هم آمد گرفت (او را صید کرد)، وقتی صید کرد امر می کند، سلطه بر او دارد، بر او ولایت دارد. لذا هم مسئله امر را مطرح می کند؛ هم مسئله سلطه را مطرح می کند؛ هم مسئله ولایت را که عده ای تحت امر شیطان اند؛ [عده ای] تحت سلطه شیطان اند [عده ای] تحت ولایت شیطان اند. پس اگر در این کریمه سخن از امر، دو بار تکرار شد برای آن است که مأمورها تحت ولایت شیطان اند (نرفتند در پناهگاه) فقط ایستادند گفتند «أعوذ بالله من الشيطان الرجيم»، چون این گفتن اثری نداشت بعد هم ترك کردند، در حالی که خدا فرمود این وسوسه، نزع است (نزع یعنی سیخ دادن، فشار دادن) فرمود: «وَمَا يَنْزَعُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ»؛ اگر این آثر خطر را شنیدی همین که در دلت يك خیال پیدا شد، يك وسوسه پیدا شد که دستی به طرف حرام دراز کنی یا پایی به جای حرام بگشایی (این آثر خطر است) فوراً پناه ببر.

وی افزود: خب اگر کسی پناه نبرد شیطان می آید، در اینجا سخن از امر جا دارد، لذا فرمود: وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا \* يَعْدُهُمْ وَيُمَيِّتُهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا یعنی از راه وعده اول شروع می کند، از راه ایجاد امنیه شروع می کند و جز فریب و نیرنگ چیزی هم نصیب انسانهای تحت امر شیطان نمی شود.

### صراط مستقیم، کمینگاه شیطان رجیم

آیت الله جوادی آملی با اشاره به آیه 16 سوره «اعراف» قَالَ فِيمَا أُتُوْنِي لِأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ، تصریح کرد: گفت من سر راه اینها می نشینم و راهزنی می کنم، سر راه مستقیم می نشینم، آنها می گویند: اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ و تو هم هدایت می کنی؛ ولی من راهزنم، در کمینم که نروند (این راه را طی نکنند) من قعیدم، سر راه مستقیم می نشینم، نمی گذارم اینها بروند. در نماز می آید، در روزه گرفتن می آید، در درس و بحث می آید، در معصیت که نمی آید برای اینکه معصیت يك راه انحرافی است، اگر او دست کسی را گرفته و پرت کرده است ته درّه، دیگر ته درّه نمی رود، فقط همین سر راه مستقیم می نشیند که رهزنی کند: لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ. خب سر راه راست اینها می نشینم و از هر طرف حمله می کنم تا کمین بزنم: ثُمَّ لَا تَنَالُهُمْ مِنَ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ؛ از جلو می آیم، از پشت سر می آیم، از طرف راست می آیم، از طرف چپ می آیم؛ یعنی محیطم به اینها، که أَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ ناظر به اینهاست.

وی افزود: گاهی اینها را به فکر آن می اندازم که شما آینده دوری در پیش داری چرا ذخیره نکردی؛ گاهی اینها را به فکر اعقاب و نسل بعدی می اندازم که فرزندان داری چرا برای اینها فکر نکردی و همچنین. در بعضی از روایات آمده است که فرشتگان عرض کردند: خدایا! شیطانی که از چهار طرف به انسانها حمله می کند راه نجات انسانها چیست؟ فرمود طرف بالا و طرف پایین محفوظ است؛ بالا آن است که دست به نیایش و دعا بردارند و پایین آن است که سر به سجده و به خاک بمالند و از من بخواهند، اگر با دعا و با سجده و نماز از من کمک خواستند آن جهات چهارگانه ای که در معرض کمین است حفظ می شود. وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ.

### خطر احتناك فرزندان آدم (ع) توسط شیطان / محدوده ولایت و سلطنت شیطان

این مدرس عالی حوزه با اشاره به سوره «إسراء» و «حجر» به تبیین نحوه اغوا و اضلال شیطان پرداخت و افزود: در آیه 62 سوره «إسراء» آمده است قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنْ أُحْزِنْتُ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَأَحْتَنِكَ دَرَبَهُ إِلَّا قَلِيلًا؛ من احتناك می کنم یعنی حنك، زیر چانه و زمام اینها را می گیرم. همان کاری که مسئول يك اسب (يك مكاري) نسبت به اسبش می کند که احتناك می کند اسب را یعنی طنابی در حنك و زیر حنك او می بندد و در دست خود می گیرد، من هم فرزندان آدم را احتناك می کنم.

وی یادآور شد: پس شیطان عداوتش عداوت مبین است؛ منتها این عداوت را گاهی در حدّ وسوسه اعمال می کند مثل همان که يُوسُوسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ \* مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ این وسوسه همگانی است، البته آنها که شیطان را مسخر کردند (مثل بندگان مخلص) نسبت به آنها راه ندارد. اگر کسی به این وسوسه اعتنا نکرد (آن را رجم کرد) محفوظ می شود، در حصن الهی است و اگر به این وسوسه اعتنا کرد و شیطان را راه داد شیطان کم کم مسلط می شود، بر او امر می کند و آن را تحت سلطه خود قرار می دهد، می شود ولیّ او. آیه 22 از سوره مبارکه ابراهیم این است که وقتی قیامت فرا رسید و خدای سبحان به قسط و عدل

حکم کرد و شیطان و پیروانش را محکوم به جهنم کرد، عده‌ای به شیطان اعتراض می‌کنند که تو مایه خسران ما شدی، شیطان در جواب این‌چنین می‌گوید: وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ؛ خدا وعده حق داد - چون لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ - وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ؛ من وعده خلاف دادم و اصولاً خلف وعده می‌کردم وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ؛ من بر شما مسلط نبودم من نامه دعوت نوشتم، خب عقل هم از آن طرف شما را هدایت می‌کرد، وحی هم شما را هدایت می‌کرد، من هم پیشنهاد دادم.

آیت الله جوادی آملی تأکید کرد: شیطان در اوایل، کارش جز پیشنهاد چیز دیگر نیست (وعده است و دعوت) امر نیست، گفت من دعوت کردم شما قبول کردید وقتی قبول کردی تحت سلطه منی. وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فِي حَدِّ دَعْوَتِ اسْت، خب دعوت که سلطه نیست، عقل هم دعوت کرد، وحی هم دعوت کرد، من هم دعوت کردم: إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي؛ شما به جای اینکه فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي را درباره خدای سبحان اطاعت کنید که خدا فرمود: فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي آن را اطاعت نکردید، فَاسْتَجَبْتُمْ لِي شد. خدا فرمود: فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي، شما آن را امتثال نکردید حرف مرا اجابت کردید: فَاسْتَجَبْتُمْ لِي، بنابراین فلا تَلُومُونِي؛ مرا ملامت نکنید وَلَوْمُوا أَنْفُسَكُمْ؛ امروز روزی نیست که من به داد شما برسم یا شما مشکلی را از من حل کنید: مَا أَنَا بِمُصْرِحِكُمْ؛ شما هر چه صراخ داشته باشید من صریخ نیستم که ناله شما را پاسخ بدهم (مصرخ نیستم) وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِحِي إِيَّيْ كَقَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ یعنی آنچه را که الآن شما شرك ورزیدید من از قبل هم كفر ورزیده بودم یعنی شما من را شريك خدا قرار دادید، من گفتم نیستم کاری از من ساخته نیست.

### تزئین متاع دنیا، راه اغوای شیطان

وی در ادامه تزئین متاع دنیا را اولین راه اغوای شیطان خواند و گفت: آیه 39 به بعد در سوره مبارکه «حجر» این‌چنین آمده است: قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لِأُزَيِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا أُغْوَيْتَهُمْ أَجْمَعِينَ؛ اولین کاری که من می‌کنم زیبا نشان می‌دهم یعنی مسکن را، فرش را، متاع دنیا را برای اینها زیبا و زیور قرار می‌دهم (که تزئین می‌کنم برای اینها) آنچه را که اینها با چشم می‌بینند به عنوان يك امر زیبا برای آنها جاذبه داشته باشد (این اولین کار من است)، به جای اینکه خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ باشد، به جای اینکه حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ باشد، فقط يك خانه خوب، يك اتومبیل خوب، فرش خوب، باغ و راغ خوبی را دیدند به عنوان زینت قبول دارند که این زینت است، اولین کار من این است لِأُزَيِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا أُغْوَيْتَهُمْ أَجْمَعِينَ \* إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ آنگاه خدای سبحان فرمود: قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ یعنی «هذا صراط مستقیم» که «عليّ بیانها»؛ نظیر اینکه فرمود: وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ یعنی بر خداست که سبیل قصد و سبیل معتدل را بیان کند و کرد هذا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ یعنی «هذا صراط مستقیم» که «عليّ بیانها و حفظه» و امثال ذلك.

### خیر و برکت وسوسه

وی افزود: من کارم این است که باید راهنمایی بکنم و کردم و از طرفی دیگر إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ؛ تو حق سلطه نداری، تو فقط وسوسه داری که وسوسه برکت و رحمت است، به وسیله وسوسه است که انسانها مبارزه می‌کنند به تہذیب نفس و تزکیه روح می‌رسند و به ولایت راه پیدا می‌کنند، خب اگر وسوسه نباشد جنگ درون نیست انسان به جهاد اکبر راه پیدا نمی‌کند و مانند آن. من فقط به تو اجازه وسوسه دادم و این وسوسه هم خیر و رحمت است (در کل نظام). إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ اگر کسی گرفتار غوایت و ضلالت و بیراهی و بی‌هدفی شد، تابع تو شد [و] تو را به عنوان مولا پذیرفت، از آن به بعد تو بر او مسلطی، امر می‌کنی [و او] تحت ولایت توست. پس او به تو رأی می‌دهد نه تو مسلط باشی، او تو را به عنوان مولا پذیرفت نه اینکه من تو را مولای او کرده باشم اولاً، من فقط دستور وسوسه دادم و این وسوسه هم خیر و رحمت است، چون هر کس به هر مقامی رسید در اثر مبارزه با وسوسه بود. فرمود او به تو رأی داد [و] تو را ولی خود قرار داد وگرنه ما تو را مسلط نکردیم: لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ \* وَإِنْ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ

### شیطان، کلب معلم آستان الهی

صاحب تفسیر تسنیم در ادامه با بیان اینکه خطر تفویض بدتر از خطر جبر است، در تبیین این مسئله گفت: (خداوند) می‌فرماید گرچه آنها به تو رأی دادند ولی من هم باید اجازه بدهم، این طور نیست که تو در کارگاه عالم مستقل باشی. خب آنها حاضر شدند تحت ولایت تو باشند، من هم اذن دادم یا ندادم؟ فرمود اگر کسی به خدا، پیغمبر، قرآن و عقل رأی ندهد، به شیطان رأی ولایی بدهد بگوید تو ولی منی، ما به او مهلت بدهیم (چند بار راه توبه و انابه را به روی او باز کنیم) او نپذیرد، از آن به بعد ما به تو ای شیطان اجازه می‌دهیم مثل کلب معلم که ولی اینها باشی: إِنْ جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ آن برای مرحله بعد است. فرمود ما از این به بعد اذن ولایی دادیم گفتیم حالا ولی اینها باش مثل کلب معلم، سگ تربیت شده که هر کسی را نمی‌گذرد.

وی تأکید کرد: شیطان کلب معلم است در دستگاه هستی، جزء کلاب هراش نیست (سگ هرزه نیست) که هر کسی را بگذرد، او حسابی دارد، کتابی دارد، در دستگاه الهی وضعش مشخص است؛ نسبت به چه کسی باید پارس بکند نسبت به چه کسی هم حق پارس ندارد، نسبت به چه کسی باید تعقیبش بکند و چه گروهی را باید بگذرد و گاز بگیرد، بکشد و بگشدد (همه‌اش مشخص است). مثل يك سگ تربیت شده‌ای که در يك بوستان هست؛ دوستان صاحب بوستان وقتی که می‌آیند این سگ تربیت شده اصلاً پارس هم نمی‌کند، چون می‌شناسد و حق ندارد پارس بکند؛ يك انسان ناشناخته ابتدایی که نزدیک باغ آمد این پارس

می‌کند، باغبان به دستور خودش آن شخص را راه می‌دهد، همین که گفت بیا این سگ تربیت شده می‌فهمد که نباید پارس را ادامه بدهد (می‌رود کنار).

آیت الله جوادی آملی افزود: (این شیطان که مانند کلب معلم است) اول پارس می‌کند تا معلوم بشود دوست است یا دشمن، بعد وقتی معلوم شد که این شخص دارد در حصن صاحب بوستان وارد می‌شود این کلب دیگر پارس نمی‌کند آن شخص وارد حصن می‌شود و در مأمن است. و اگر کسی خواست مزاحمت فراهم کند، این سگ اول پارس می‌کند، وقتی چندتا پارس کرد دید که صاحبش که صاحب باغ است آن را منع نکرد این پارسش را ادامه می‌دهد، کم کم به دنبال او آهسته آهسته می‌رود، کم کم تعقیبش می‌کند، کم کم این را می‌گزد و می‌گیرد. و اگر يك دزدی باشد بدون اینکه سگ هم بخواهد صاحب باغ اغراء می‌کند، خود صاحب باغ می‌گوید برو بگیر؛ چون بیگانه اینجا راه ندارد، اینجا است که فرمود: *أَنَا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَوَّظَّؤُهُمْ أَرَأَيْتُمْ مَا بِهِ دُنْبَالُ كِفَارٍ مِی‌فَرَسْتِمِ* ما می‌گوییم اینها را بگیر. اینها کاملاً در تحت ولایت شیطان‌اند و این امتناع به اختیار هم لاینافی الاختیار، برای اینکه ما چندین بار با عقل و وحی او را هدایت کردیم، مهلت دادیم، در توبه را باز کردیم، الآن هم در توبه باز است؛ ولی او نمی‌پذیرد.

### خیر و رحمت بودن وجود شیطان در کل عالم

وی با بیان اینکه آیاتی که می‌گوید شیطان هیچ سلطه‌ای بر انسانها ندارد، با آیه‌ای که می‌فرماید شیطان بر بعضی مسلط است کاملاً قابل جمع است؛ بر خیر و رحمت بودن وجود شیطان در کل عالم تأکید کرد و گفت: يك بحث در صنع خداست که خدای سبحان چرا شیطان شرور را آفرید، يك بحث در این است که شیطان مقصّر است یا نه؟ خدای سبحان کار خوبی کرد، چون موجودی که مبدأ و سوسه است در جهان لازم است؛ فرمود هر چه که شیء است خدا آفرید: *اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ*، بعد فرمود هر چه را که آفرید نیکو و زیبا آفرید: *الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ*. شیطان وجودش در کل عالم خیر و رحمت است و آیتی است از آیات الهی، مخلوق خداست و خدا بد خلق نمی‌کند این يك مسئله، مسئله دیگر آن است که در عالم، شیطان لازم است؛ اما چرا این شخص شیطان باشد؟ مثل اینکه بحث‌های علمی می‌گوید در جهان بیماری لازم است اگر بیماری نباشد که پزشکی و پیشرفتهای علم نصیب انسان نمی‌شود، همه ما معتقدیم که مرض برکت و رحمت است. اگر مرض نباشد که اسرار گیاهان شناخته نمی‌شود، اسرار دستگاه انسانی شناخته نمی‌شود، هزارها جلد کتابی که در گیاه‌شناسی، داروشناسی، دردشناسی، درمان‌شناسی نوشته شده به برکت مرض است، اگر مرض نباشد هرگز این گونه از علوم پیشرفت نمی‌کند.

صاحب تفسیر تسنیم افزود: ما معتقدیم که مرض در کل عالم رحمت است این يك مسئله جهان‌بینی، مسئله دیگر این است که فرد فرد ما موظفیم که مریض نشویم (تک‌تک ما موظفیم که بیمار نشویم) در حالی که اصل مرض خوب است. اصل شیطان یعنی موجودی که مبدأ و سوسه باشد وجودش در عالم لازم است؛ ولی، تک‌تک موجودات موظف‌اند که شیطان نباشند. شیطان الآن هم پیدا می‌شود (شیطان الانس و شیطان الجن). ما در عین حال که معتقدیم وجود شیطان در کل عالم رحمت است موظفیم شیطان نباشیم؛ اما خب عده‌ای شیطان می‌شوند. مثل اینکه ما موظفیم مریض نباشیم، در عین حال که معتقدیم مرض باعث پیدایش بسیاری از علوم و کشف بسیاری از اسرار عالم است؛ ولی موظفیم خودمان را حفظ بکنیم (مریض نباشیم). اصل شیطان وجودش في الجملة در عالم رحمت است؛ اما زید شیطان باشد یا عمرو، زید هم موظف است خودش را حفظ بکند عمرو هم موظف است خودش را حفظ بکند.

### هدف شیطان، بی‌آبرو نمودن انسان

وی با بیان اینکه هدف شیطان، بی‌آبرو نمودن انسان است، گفت: در سوره مبارکه «اعراف» مطلب دیگری هم هست و آن این است که همین سوء و فحشایی را که شیطان امر می‌کند، می‌گوید که این سوء و فحشا را شما به خدای سبحان نسبت بدهید بگویید خدا این کار را کرده است که *وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا*. و خدای سبحان در آیه 27 به بعد سوره اعراف این ماجرا را نقل می‌کند که فرمود: *يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِّنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ* فرمود: فرزندان آدم! این خطر را بدانید که شیطان خیلی با مال و بدنتان کاری ندارد تمام تلاش شیطان این است که آبروی‌تان را ببرد، وقتی انسان بی‌آبرو شد کاری از او ساخته نیست. فرمود بدانید همان طوری که او درباره ابوبن شما تلاش کرد: *يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا* درباره شما هم همین کار را می‌کند، او تمام تلاشش این است که شما را بی‌حیثیت کند.

### غفلت، راه نفوذ شیطان

آیت الله جوادی آملی تأکید کرد: بدانید که او از راهی می‌آید که شما او را نمی‌بینید: *إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِّنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ* یعنی از راه غفلت می‌آید، انسان غافل خب نمی‌بیند. مادامی که غافل نیست متذکر است دشمنش را می‌شناسد: *إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ* انسان وقتی که حواسش جمع است اگر دستی به بدن او برسد احساس می‌کند، فرمود *يَكُ* انسان متقی همین که يك خیالی در قلبش پیدا شد فوراً می‌فهمد خیال شیطانی است و جبران می‌کند؛ ولی اگر غافل بود خب نمی‌بیند، وقتی ندید آن شیطان از همان راه غفلت می‌آید: *إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِّنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ*.